

رویکرد حقوقی - جرم‌شناختی به

مداخله ناظران در پیشگیری از جرم*

- سیده ساعده حسینی^۱
- سیدمهدی سیدزاده ثانی^۲
- عبدالرضا جوان‌جعفری^۳

چکیده

مداخله ناظران، یکی از سازوکارهای مهم پیشگیری اجتماعی غیر رسمی است که از رهگذر نهادینه کردن مسئولیت افراد جامعه در قبال کمک به افراد در معرض خطر، در جهت تأمین امنیت جامعه و شهروندان گام برمی‌دارد. مداخله ناظران در این مفهوم راهبردی نوین در زمینه پیشگیری از جرم است که با توجه به سازمان نیافته بودن آن، از سایر برنامه‌های پیشگیری از جرم متمایز می‌باشد. در سیاست کیفری ایران، قانون‌گذار این راهبرد را از رهگذر ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی به رسمیت شناخته است. در خصوص این راهبرد، نظریه‌پردازان حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، عوامل

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۱۰.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (saede.hoseini@yahoo.com).

۲. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (seidzadeh@ferdowsi.um.ac.ir).

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (javan-j@um.ac.ir).

متعددی را برای مداخله یا عدم مداخله ناظران ذکر کرده‌اند. بر اساس نظریات موجود، کمک و همدردی با افراد در معرض خطر، یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی محسوب می‌شود که با تحریک عواطف ناظران، آن‌ها را ترغیب به مداخله می‌نماید. اما برای دستیابی به این مهم، افراد جامعه باید مهارت لازم را جهت مداخله فرا گیرند تا بتوانند بر عوامل بازدارنده مانند ابهام موقعیت و انتشار مسئولیت غلبه نمایند و با مداخله امن و مؤثر، در راستای حمایت از منافع عمومی و فردی گام بردارند.

واژگان کلیدی: ناظر عام، ناظر خاص، جرم، پیشگیری، همبستگی اجتماعی، وضعیت اضطراری.

مقدمه

تنوع و روند رو به افزایش میزان جرایم، یکی از اساسی‌ترین معضلاتی است که امروزه در همه جوامع، مرکز توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته است؛ زیرا وقوع جرم نه تنها پیامدهای منفی از جمله مشکلات جسمی و روانی برای افراد به همراه دارد، بلکه رشد و ثبات اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای درمان و پیشگیری از این معضل اجتماعی، سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی برنامه‌ها و تدابیر مختلفی را پیش‌بینی نموده‌اند. مداخله ناظران یکی از مهم‌ترین راهبردها در زمینه پیشگیری از وقوع جرایم است که به ویژه در زمینه جرایم خشونت‌آمیزی همچون زورگویی در مدارس، سوءرفتار جنسی در محیط دانشگاه، خودکشی افراد، اذیت و آزار در محل کار و سایر جرایم خشونت‌آمیز، توسط بسیاری از مؤسسات و مراکز کنترل و پیشگیری از جرم پذیرفته شده است.

مداخله ناظران^۱ به معنای مداخله مستقیم و غیر مستقیم برای کمک به فرد نیازمند، توسط شخصی است که در صحنه وقوع جرم حضور دارد، ولی در آن دخیل نیست (فیشر، ۱۳۹۳: ۸۰/۲). در واقع، راهبرد مداخله ناظران، گونه‌ای از پیشگیری اجتماعی غیررسمی است که به صورت مستقیم با مداخله فرد ثالث هنگام ارتکاب جرم و یا به صورت غیر مستقیم با اطلاع مقامات قضایی، مانع تحقق جرم یا کاهش صدمات ناشی از آن می‌شود (همان).

1. Bystander intervention.

این نهاد، فرصتی برای تغییر قوانین اجتماعی و انتقال مسئولیت به همه افراد جامعه می‌باشد و مهم‌ترین راهبرد برای موفقیت در برنامه‌های پیشگیری از جرم نیز ایجاد احساس مسئولیت در همه افراد جامعه است تا بتوانند به صورت پویا در راستای تحقق اهداف پیشگیری از جرم گام بردارند (Clark & Word, 1972: 393). در این راستا، نهاد مذکور در پی آن است که شاهدان بالقوه را به طور ایمن و مثبت آموزش دهد تا بتوانند در هنگام مواجهه با خطر، در جهت جلوگیری از رفتار مجرمانه یا کاهش آسیب‌های ناشی از آن مداخله نمایند (Darley & Latané, 1968: 377).

مداخله ناظران در عین تشابه با سایر برنامه‌های پیشگیری از جرم از قبیل نظارت همگانی، مراقبت محلی و گشت‌های شهروندی، از این نهادها متمایز می‌باشد. مهم‌ترین وجه تمایز نهاد مداخله ناظران با سایر نهادهای پیشگیری از جرم، سازمان‌یافته نبودن این نهاد است؛ بدین معنا که سایر نهادهای پیشگیری از جرم با تکیه بر برنامه‌ها و سیاست‌های ساماندهی شده و تمرکز بر افراد یا موقعیت‌های خاص، به دنبال پیشگیری از وقوع اولیه جرایم یا پیشگیری از تکرار مجدد آن‌ها هستند. در حالی که راهبرد مداخله ناظران بدون ساماندهی قبلی و در هنگام وقوع رفتار مجرمانه با تحمیل مسئولیت بر عهده همه افراد جامعه و نه شخص یا اشخاص خاص، در جهت پیشگیری از وقوع رفتار مجرمانه یا کاهش آسیب‌های ناشی از آن گام برمی‌دارد. توضیح آنکه در فرایند زندگی اجتماعی، بسیاری از رفتارهای مجرمانه در شرایطی رخ می‌دهند که عده‌ای شاهد وقوع آن‌ها می‌باشند. این شاهدان قادرند با مداخله مستقیم یا غیر مستقیم در روند ارتکاب جرم، اختلال ایجاد کنند و صدمات وارد بر بزه‌دیده و به تبع آن صدمات وارد بر جامعه را کاهش دهند. لذا قطعاً بدون مداخله شخص ناظر، بزه‌دیده و جامعه متحمل آسیب‌هایی می‌شوند که جبران آن‌ها نیازمند صرف هزینه‌های سنگین است. از این رهگذر، ضرورت جامعه‌شناختی این نهاد نیز تبیین می‌گردد؛ چرا که انسان موجودی اجتماعی است و برای رفع نیازهای روانی، اجتماعی و اقتصادی خود، ناگزیر از مشارکت و همکاری با سایر افراد جامعه می‌باشد و این مشارکت، موجبات همبستگی در جوامع و ارتقاء سطح زندگی اجتماعی را فراهم می‌کند. اما در مقابل، فردگرایی و بی‌تفاوتی افراد جامعه می‌تواند عاملی جهت بی‌هنجاری در جامعه و در نتیجه افول

انسجام و همبستگی اجتماعی باشد. از این منظر، تحقیق در خصوص نقش ناظران و شناسایی عوامل مؤثر بر مداخله یا عدم مداخله آنان در راستای نهادینه‌سازی فرهنگ مشارکت همگانی افراد، حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

واژه ناظر در عبارت مداخله ناظران، به دو معنای عام و خاص تفسیر می‌گردد. واژه ناظر در معنای عام، اشاره به شخصی دارد که میان او و بزه‌دیده هیچ گونه رابطه قانونی، قراردادی وجود ندارد و شخص ناظر کاملاً با بزه‌دیده غریبه یا بیگانه می‌باشد. ناظر در معنای اخیر در ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین مورد اشاره قرار گرفته است. در معنای خاص، ناظر به اشخاصی گفته می‌شود که دارای وظیفه قراردادی و قانونی در خصوص حمایت از بزه‌دیده می‌باشند. ناظر بدین معنا در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است. شایان ذکر است که اصطلاح مداخله ناظران در ادبیات فارسی تحت مفاهیمی از قبیل مسئولیت اجتماعی، کنترل اجتماعی یا به صورت کلی‌تر تحت برنامه‌های سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی جامعوی نیز مورد بحث قرار گرفته است.

بدین جهت با توجه به قابلیت و ظرفیت ناظران جهت مداخله در موقعیت‌های مجرمانه، در این نوشتار ابتدا جایگاه مداخله ناظران از منظر حقوق ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با رویکرد جرم‌شناختی، عوامل اجتماعی و روانی متعددی که نحوه عملکرد ناظران را تحت تأثیر قرار می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. بررسی حقوقی مداخله ناظران

مداخله ناظران در سیاست جنایی ایران از رهگذر ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین (ناظر عام) و ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی (ناظر خاص)، مورد توجه مقنن قرار گرفته است که این تفکیک ناظر به ناظر عام و ناظر خاص، سبب تفاوت در مسئولیت کیفری آن‌ها شده است.

۱-۱. مفهوم ناظر عام

ناظر در معنای عام اشاره به شخصی دارد که میان او و بزه‌دیده هیچ گونه رابطه قانونی،

قراردادی یا عرفی وجود ندارد و شخص ناظر با بزه‌دیده غریبه می‌باشد. ناظر در معنای اخیر در ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین^۱ مورد اشاره قرار گرفته است. در ماده واحده اخیر، قانون‌گذار بر وظیفه اخلاقی افراد جامعه جهت کمک به دیگران تأکید نموده و نقض این وظیفه اخلاقی را جرم دانسته است. شعر سعدی^۲ نیز نشان‌دهنده وظیفه اخلاقی همه افراد جامعه در قبال یکدیگر می‌باشد (پوربافرانی، ۱۳۸۴: ۳).

کمک به دیگران در مواقع اضطراری نیز از مصادیق بارز عمل صالح می‌باشد که در قرآن و روایات زیادی به آن سفارش شده است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره مائده به لزوم کمک به دیگران اشاره کرده است:

«فردی که جان شخصی را از خطر مرگ نجات دهد، مثل این است که جان همه انسان‌ها را از مرگ نجات داده است».

همچنین در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«من سمع منادياً ينادي يا للمسلمين، فلم يجبه فليس بمسلم» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۶۴): هر کس بانگ کسی را بشنود که از مسلمانان مددخواهی می‌کند و پاسخش ندهد و به یاری‌اش نشتابد مسلمان نیست.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز به این وظیفه اخلاقی مهم اشاره شده است:

«گام برداشتن مسلمان در راه حاجت مسلمان، بهتر از هفتاد طواف دور خانه خداست» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۲).

از لحاظ فقهی نیز فقها معتقدند که حفظ نفس خود و دیگران امری واجب است. به همین جهت اگر شخصی از حفظ نفس دیگران خودداری کند، مستحق تعزیر است (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۱۶۸/۴). در فقه امامیه، از مسئله مداخله ناظران تحت عنوان «قاعدہ حرمت اعانت بر اثم و عدوان» یاد شده است که مستخرج از آیه زیر می‌باشد: ﴿تَعَاوَنُوا

۱. «هر کس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار، از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند، بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید، به حبس جنج‌های تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد».

۲. اگر بینی که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشیند گناه است

عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده / ۲)؛ «در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید و از خدا پروا نمایید که همانا خداوند سخت کیفر می‌کند». این آیه مداخله افراد برای نجات جان دیگران را صرف‌نظر از رابطه قانونی و قراردادی میان ناظر و بزه‌دیده، یک تکلیف واجب شرعی می‌داند که بر عهده همه افراد جامعه می‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵). در واقع با توجه به آیه مذکور شاید بتوان ادعا نمود که یکی از مبانی جرم‌انگاری ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین، مقابله با عدم همبستگی اجتماعی در جامعه و ایجاد حس تعاون و همکاری در میان افراد جامعه است (فروغی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۰).

در اسلام نیز بحث مداخله ناظران تحت نهاد امر به معروف و نهی از منکر تجلی پیدا کرده است. امر به معروف و نهی از منکر نقشی بسیار مهم در حفظ امنیت و ثبات اجتماعی دارند؛ زیرا سرنوشت هر کس به دیگری وابسته است و غفلت هر کس نسبت به اعمال دیگران، به ضرر همه افراد تمام می‌شود (سجادی، ۱۳۹۴: ۵).

مطابق این مبانی دینی و اخلاقی، قانون‌گذار در ماده واحده مذکور مقرر کرده که هر شخصی از افراد جامعه، شخص یا اشخاصی را در معرض خطر ببیند و توانایی کمک فوری به مصدوم برای جلوگیری از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن، یا امکان اعلام فوری مراتب به مقامات صلاحیت‌دار را داشته باشد و از کمک به فرد مصدوم خودداری کند، مسئولیت کیفری دارد؛ البته منوط به اینکه مداخله فرد، مستلزم وجود هیچ گونه خطری برای فرد یا دیگری نباشد. بر این اساس در این ماده واحده، قانون‌گذار دو وظیفه مداخله مستقیم و غیر مستقیم جهت کمک به قربانی را بر عهده تمام افراد جامعه قرار داده است که مداخله فرد لزوماً مداخله فیزیکی نیست؛ بلکه می‌تواند به صورت کلامی یا شفاهی هم باشد. مهم این است که خطری در جریان وقوع باشد و شخص با وجود توانایی برای جلوگیری از آن، از انجام آن خودداری نماید (یزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

جرم مذکور در ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین، جرمی مطلق است؛ زیرا قانون‌گذار صرف خودداری از کمک به شخص در معرض خطر را صرف‌نظر از نتیجه خاصی که ممکن است از ترک فعل ناظر حاصل شود، قابل مجازات دانسته

است. اما اگر از ترک فعل شخص نتیجه‌ای خاص حاصل شود، در صورت وجود وظیفه خاص (قانون، قرارداد، عرف) و احراز رابطه سببیت میان نتیجه مجرمانه و ترک فعل، با توجه به ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی بر حسب مورد، مجازات عمد، شبه عمد یا خطای محض بر او بار می‌گردد.

مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل که از مصادیق تقصیر محسوب می‌شود نیز در ماده ۹۵۲ قانون مدنی مورد تصریح قرار گرفته است: «تفریط عبارت است از ترک عملی که به موجب قرارداد متعارف برای حفظ مال غیر لازم است».

مطابق این قانون، برای اینکه مسئولیت مدنی به شخص تحمیل شود، شخص باید از نجات شخص در معرض خطر به رغم وجود سایر شرایط قانونی امتناع نماید، خسارت و ورود ضرر محقق شود و رابطه علیت میان ترک فعل شخص و ورود ضرر نیز مسلم باشد که در صورت وجود این شرایط، مسئولیت مدنی افراد بسته به نوع خسارت وارده متفاوت است؛ اگر خسارت وارده مالی باشد، جبران خسارت بدون وجود مسئولیت کیفری محقق می‌شود. اما اگر خسارت وارده جانی باشد، با احراز رابطه سببیت و بسته به نوع خسارت، به مجازات یکی از جرایم عمد، شبه عمد یا خطای محض نیز محکوم می‌شود (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳).

در همین راستا، اغلب کشورهای اروپایی از قبیل فرانسه، آلمان، هلند و... نیز مسئولیت کیفری و مدنی کمک به افراد در معرض خطر را برای تمام افراد جامعه پیش‌بینی کرده و عدم مداخله افراد در وضعیت‌های اضطراری را به عنوان یک عمل مجرمانه تلقی نموده‌اند؛ البته مشروط به اینکه انجام این عمل برای شخص ناظر و افراد دیگر خطری به همراه نداشته باشد (Spijkers, 2014: 51). این در حالی است که در سیستم حقوقی آمریکا به استثنای چند ایالت (هاوایی، مینه‌سوتا، رودآیلند، ورمونت، ویسکانسین و...)، به علت غلبه ارزش‌های فردگرایانه بر ارزش‌های اخلاقی، وظیفه قانونی عام برای کمک به افراد در معرض خطر پیش‌بینی نشده است و سیاست‌گذاران کیفری تنها در صورت وجود وظیفه خاص و اثبات رابطه علیت، ناظر خاص را مستحق مجازات می‌دانند (Trombley, 2012: 825).

مبنای اصلی جرم‌انگاری عدم مداخله ناظران، پیشگیری از آسیب‌های روحی و جسمی به قربانی یا کاهش این آسیب‌ها می‌باشد:

«پیشگیری از آسیب به سایر افراد جامعه، یک اصل محدودکننده آزادی است که مطابق آن، افراد در راستای حس نوع‌دوستی و همدلی و با هدف حمایت از منافع جامعه، آزادی خود را در معرض خطر قرار می‌دهند و با کمک مستقیم به قربانی و یا غیر مستقیم با اطلاع رسانی به مقامات قضایی، از وقوع جرم جلوگیری می‌نمایند یا صدمات ناشی از آن را به حداقل می‌رسانند» (Bagby, 2000: 580).

توضیح آنکه تحمیل وظیفه به افراد جامعه جهت کمک به افراد در معرض خطر، در تعارض با آزادی شخصی آن‌ها قرار دارد. اما باید توجه نمود که در تعارض میان منافع اجتماعی با منافع فردی، منافع اجتماعی ارجحیت دارند. به همین علت، افراد باید به منظور تأمین امنیت جامعه، تا حدی از آزادی خود صرف‌نظر نمایند و در موقعیت‌های اضطراری اقدام به مداخله نمایند؛ ضمن اینکه تحمیل وظیفه بر ناظران جهت کمک به افراد نیازمند، نه تنها موجب تأمین امنیت اجتماعی می‌گردد، بلکه امنیت فردی افراد را نیز به همراه دارد. شایان ذکر است که جرم‌انگاری عدم مداخله به تنهایی موجب ترغیب افراد به مداخله در موقعیت‌های اضطراری نمی‌شود؛ زیرا «مداخله فعال و ایمن هر فرد، مستلزم آموزش مناسب و کسب مهارت لازم در این خصوص می‌باشد» (Swan, 2015: 73) تا افراد بتوانند بر عوامل اجتماعی و روانی که مانع مداخله آن‌ها می‌شوند، غلبه نمایند و با مداخلات مؤثر در راستای اهداف جامعه گام بردارند.

۲-۱. مفهوم خاص ناظر

ناظر در معنای خاص به اشخاصی گفته می‌شود که دارای وظیفه قراردادی و قانونی در خصوص حمایت از بزه‌دیده می‌باشند. ناظر بدین معنا در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی^۱ مورد اشاره قرار گرفته است. در واقع، مبنای جرم‌انگاری ماده ۲۹۵ قانون

۱. «هر گاه کسی فعلی که انجام آن را بر عهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون بر عهده او گذاشته است، ترک کند و به سبب آن، جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد، عمدی، شبه عمدی، یا خطای محض است، مانند اینکه مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است، کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار، وظیفه قانونی خود را ترک کند».

مجازات اسلامی این بود که میان حقوق‌دانان و فقها مدت‌ها این اختلاف نظر وجود داشت که آیا جرایمی مثل قتل که ظهور در فعل دارند و غالباً با افعال مثبتی از قبیل چاقو زدن، ایراد ضربه و... رخ می‌دهند، با ترک فعل هم محقق می‌شوند یا خیر؟ (فروغی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹). قانون‌گذار در ماده ۲۹۵، بحث ارتکاب از طریق ترک فعل را منقح کرد و به این اختلافات پایان داد.

قانون‌گذار در ماده مذکور، تحت شرایطی نجات جان افراد در معرض خطر را بر عهده دیگران قرار داده و از این جهت، گامی مهم در خصوص تدوین مسئولیت مدنی و کیفری تارک فعل برداشته است؛ زیرا همان‌گونه که انجام فعل در جایی که انسان متعارف بدان عمل نمی‌کند، تقصیر است، ترک فعلی که انسان متعارف معمولاً انجام می‌دهد نیز تقصیر محسوب می‌شود و به لحاظ حقوقی ایجاد مسئولیت می‌کند (بزدیان جعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۲). طبق این ماده، در شرایط وجود تکلیف قانونی و قراردادی به نجات جان افراد در معرض خطر، برقراری رابطه سببیت میان ترک تکلیف و صدمه وارد به قربانی و توانایی فرد برای جلوگیری از بروز نتیجه، می‌توان شخص را مسئول دانست و بر حسب اینکه جرم عمدی، شبه‌عمدی و یا خطای محض باشد، مجازات را بر او تحمیل نمود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۳۳).

سؤال جالبی که حدود مسئولیت ناظر عام و خاص را مشخص می‌سازد آن است که اگر ناجی غریق بعد از تمام شدن پستش، برای تفریح به کنار ساحل برود و در همین هنگام شخصی را در حال غرق شدن ببیند و علی‌رغم توانایی، از نجات او خودداری کند، آیا مرتکب قتل شده است یا خیر؟ پاسخ این سؤال با توجه به ظاهر ماده ۲۹۵ منفی است؛ چرا که ممکن است گفته شود که ناجی غریق وظیفه‌ای برای نجات دادن مغروق در خارج از ساعات کاری ندارد. همچنین ممکن است گفته شود که خودداری از کمک به مصدومین، جرم خاصی است که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده و بنابراین نمی‌توان مسئولیت ناشی از قتل را متوجه مرتکب دانست.

اما هر دوی این استدلال‌ها با چالش روبه‌روست؛ نخست آنکه گرچه ناجی غریق، مسئولیت قراردادی خاص برای نجات فرد در خارج از ساعات اداری ندارد، ولی به لحاظ اخلاقی، شرعی و قانونی، مکلف به مداخله و نجات دادن مغروق است. در این خصوص

در قسمت قبل مقاله توضیحات بیشتری ارائه شد، ولی خلاصه آنکه ناجی غریق، نه از شأن ناجی غریق بودنش که به مثابه یک انسان به صورت اخلاقی، موظف به کمک به هم‌نوع است، بلکه به لحاظ شرعی نیز ملاحظه کردیم که در صورت خودداری از کمک، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین فردی را مورد عتاب قرار داده تا به حدی که از شمار مسلمانان خارج دانسته است. به لحاظ قانونی نیز صرف جرم‌انگاریِ عدم مداخله، در قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین نشان می‌دهد که قانون‌گذار تکلیف به کمک کردن را فرض دانسته که ترک کمک کردن را جرم‌انگاری کرده است. بنابراین قطعاً فرد به لحاظ اخلاقی، شرعی و قانونی موظف به کمک کردن بوده است.

برخی فقها با همین استدلال، چنین ناظری را قاتل می‌شمارند؛ برای نمونه، ابن حزم بر این باور است که در این قبیل موارد به علت وظیفه اخلاقی عامی که بر عهده همه افراد وجود دارد، صرف نظر از وظیفه خاصی که ممکن است بر عهده تارک فعل باشد، شخص مسئول است (ابن حزم، ۱۳۵۲: ۵۳/۱۰).

استدلال دوم نیز به لحاظ حقوقی صحیح به نظر نمی‌رسد. نمی‌توان گفت که چون خودداری از کمک جرم خاص است، پس قتل نخواهد بود. علت آن است که اولاً قانون خودداری از کمک همان گونه که بیان شد، جرمی مطلق است. به دیگر سخن، تحقق این جرم منوط به بروز نتیجه و به عنوان نمونه مردن مصدوم نیست، بلکه همین که فردی در معرض خطر باشد و مرتکب علی‌رغم استطاعت کمک نکند، جرم محقق خواهد شد و چه بسا که فرد مصدوم به طریق دیگری نجات یابد. از سوی دیگر، صدق یک عنوان مجرمانه، مانع و رادعی در راه صدق عنوان مجرمانه دیگر نیست و قانون‌گذار در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، تکلیف تعدد معنوی در جرایم تعزیری را مشخص کرده است. به هر حال، گرچه وظیفه قانونی مبنی بر عمل کردن برای ناظر عام و به طور مثال ناجی غریق در خارج از ساعات اداری وجود دارد، اما این وظیفه قانونی عام برای ایجاد رابطه انتساب عرفی، کافی نیست و عرف در اینجا قتل را به ناظر عام منتسب نمی‌کند. از همین رو، به دلیل فقد شرط دوم ارتکاب از طریق ترک فعل نمی‌توان قتل را به ناظر عام منتسب دانست. مشهور فقها چنین باوری را دارند؛ برای نمونه، صاحب *جوهر* ضمان شخص را در این موارد به علت فقدان رابطه سببیت میان ترک فعل شخص و

نتیجه مجرمانه نمی‌پذیرد و بیان می‌کند که در این موارد فقط فرد مرتکب گناه شده است (نجفی، ۱۳۶۷: ۱۵۳). محقق حلی نیز معتقد است که هر گاه کسی، انسانی را در معرض خطر مهلک مشاهده کند و با وجود توانایی او را نجات ندهد، ضمانی بر عهده ندارد (۱۴۰۳: ۲۶۶/۴).

بر این اساس، وظیفه عام قانونی جهت کمک به افراد در معرض خطر، برای ایجاد مسئولیت و انتساب نتیجه مجرمانه به شخص تارک فعل کافی نیست و این مسئولیت باید خاص شود. منشأ ایجاد وظیفه خاص می‌تواند قانون، قرارداد (مثل پزشکان و ناجیان غریق)، وجود رابطه خاص (مثل رابطه والدین و فرزندان، زن و شوهر، کاپیتان کشتی در مقابل خدمه و به طور کلی همه مواردی که انتظار کمک را در طرف مقابل ایجاد می‌کند)، ایجاد اولیه خطر توسط شخص، پذیرش اختیاری مسئولیت مراقبت از دیگری و... باشد؛ برای مثال، در موردی که دو کوهنورد با یکدیگر به کوه می‌روند، انتظار هر یک از آن‌ها این است که در صورت مواجه شدن با هر گونه خطری، مورد مساعدت طرف مقابل قرار گیرند (وجود رابطه خاص مبنی بر انتظار کمک از طرف مقابل). لذا عدم مساعدت در چنین مواردی، موجب مسئولیت تارک فعل می‌گردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۲۷).

ماده اخیرالذکر را می‌توان بدین نحو نیز تفسیر نمود که این ماده ناظر به شخص فاعل جرم است نه شخص ناظر. در واقع قانون‌گذار در این ماده، فاعل رفتار مجرمانه را به علت ترک وظیفه‌ای که بر حسب قانون یا قرارداد بر عهده وی قرار داشته است، مسئول و قابل مجازات می‌داند و ترک فعل را جرم‌انگاری نموده است و این امر فارغ از اشخاصی است که صرفاً شاهد وقوع رفتار مجرمانه‌اند و در عملیات اجرایی جرم، فاقد سمت می‌باشند.

رویه معمول در دادگاه‌های بسیاری از کشورها نیز همین است که صرفاً در صورتی می‌توان فرد را مسئول دانست و مجازات کرد که فرد، موظف به کمک به دیگری بوده باشد؛ برای مثال، قانون جزای نمونه: «هیچ کس را برای ترک فعل قابل تعقیب نمی‌داند، مگر آنکه به لحاظ قانونی موظف بوده کار ترک‌شده را انجام دهد». البته منظور از لفظ «قانون» در این ماده، حقوق موضوعه نیست؛ بلکه حقوق عرفی است (فلچر، ۱۳۹۳: ۹۷).

در رویه قضایی ایران، احکامی که با استناد به ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین و ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی صادر شده باشند، اندک هستند و آرایبی که در این خصوص وجود دارد، ناظر به جرایم ترک فعل واقعی است، نه در خصوص ارتکاب جرایم فعلی از طریق ترک فعل. اما در این میان می‌توان به پرونده مطروحه در دادگاه کیفری ۲ خمینی شهر اصفهان اشاره نمود که با توجه به ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین، برای پزشک و پرستار خاطی، تعیین کیفر شده است. شرح محتویات پرونده حاکی از آن است که شاکی، فرزند پنج‌ساله خود را که از ناحیه چانه دچار بریدگی شده بود، به اورژانس بیمارستان شهید اشرفی خمینی شهر منتقل می‌کند. پزشک مربوطه، معاینه و دستور مداوا و بخیه کردن محل جراحت را صادر و پرستار اقدام به بخیه جراحات می‌کند. سپس به علت عدم توان مالی در پرداخت هزینه‌های اعلام شده، پرستار به دستور پزشک مربوطه، اقدام به کشیدن بخیه‌های مصدوم می‌نماید. در نهایت با تشکیل پرونده و تعقیب کیفری، پرستار و پزشک مربوطه به استناد بند ۲ ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین، به حبس و به استناد بند پ ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، به منع از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و پرستاری به مدت یک سال و نیم محکوم می‌شوند.

در خصوص ارتکاب جرایم فعلی از طریق ترک فعل، نظر اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره ۱۳۵۷/۲/۷-۱۷/۱۰۹۸ نیز قابل توجه است. مطابق این نظر، همان‌گونه که قتل در اثر ارتکاب فعل مانند جرح و خفه کردن و نظایر این‌ها تحقق می‌یابد، ممکن است در اثر ترک فعل هم تحقق یابد؛ مثلاً اگر مادری شیر دادن فرزندش را تعهد کرده است، به قصد کشتن طفلش به او شیر ندهد تا بمیرد، قاتل محسوب می‌شود. هرگاه کسی که طبق مقررات (نظامات دولتی) مسئول نجات غریق است، بر خلاف مسئولیت و وظیفه خود از نجات غریق امتناع ورزد و آن شخص در آب خفه شود، عمل وی جرم و مشمول بند ۲ ماده واحده قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی است. در این مورد، رابطه علیت بدین نحو ملحوظ است که مسئول نجات غریق منحصراً قصد ترک فعل را دارد، نه قصد نتیجه را و از این رو، قتل مذکور از مصادیق شبه عمد، و مسئول مذکور ضامن پرداخت دیه خواهد بود. در صورتی که

مسئول نجات غریق، مرتکب ترک فعل شود و قصدش حصول نتیجه باشد و نتیجه حاصل شود، مسئول یادشده قاتل محسوب شده و مجازات قتل عمد را خواهد داشت. با وجود این الزامات قانونی، متأسفانه نهاد مداخله ناظران کمتر مورد استقبال افراد جامعه قرار گرفته است؛ زیرا عوامل اجتماعی و روانی متعددی وجود دارند که تصمیم ناظران جهت مداخله را تحت تأثیر قرار می‌دهند. برخی از این عوامل، اشخاص را به مداخله فعال و مؤثر جهت کمک به افراد در معرض خطر ترغیب می‌نمایند و برخی با عملکرد معکوس، موجب اجتناب ناظران از مداخله در رفتارهای مجرمانه می‌شوند. از این منظر، شناسایی عوامل مؤثر بر مداخله یا عدم مداخله افراد در راستای نهادینه‌سازی جایگاه مداخله ناظران در جامعه، حائز اهمیت فراوان می‌باشد.

۲. بررسی جرم‌شناختی مداخله ناظران

امروزه به دلیل گسترش مشکلات زندگی شهرنشینی، فرهنگ فردگرایی و بی‌تفاوتی اجتماعی در جوامع غلبه پیدا کرده است و این همان وضعیتی است که دورکیم از آن به‌عنوان پدیده آنومی و بی‌هنجاری یاد می‌کند و آن را عاملی جهت اخلال در انسجام اجتماعی تلقی می‌کند و در مقابل، تقویت اعتقادات و احساسات مشترک افراد جامعه را عامل انسجام و همبستگی اجتماعی می‌داند (Gofman, 2014: 46). مداخله ناظران یکی از مهم‌ترین تدابیر جهت تثبیت و تقویت همبستگی در جوامع است که از رهگذر تکیه بر همدلی و نوع‌دوستی بین افراد و در نتیجه افزایش احساس مسئولیت آن‌ها در مقابل یکدیگر، در این راستا گام برمی‌دارد؛ زیرا هر اندازه که احساس مسئولیت اجتماعی در افراد جامعه بیشتر باشد، احتمال مداخله و کمک به دیگران افزایش می‌یابد. اما عوامل وضعی و موقعیتی متعددی وجود دارند که با تأثیرگذاری بر تصمیم ناظران برای مداخله یا عدم مداخله، شدت انسجام و همبستگی اجتماعی را تحت شعاع قرار می‌دهند.

۱-۲. عوامل ترغیب ناظران جهت مداخله

۱-۱-۲. تحریک عواطف ناظر

مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که احساسات و عواطف افراد، نقش مؤثر و

مهمی را در ارائه کمک به دیگران ایفا می‌کنند. رابرت کید یکی از صاحب‌نظران حوزه روان‌شناسی رفتاری بیان می‌کند که مداخله افراد، بر مبنای تصمیم‌های شناختی رخ نمی‌دهد، بلکه بر مبنای تحریکات عاطفی، هیجانی صورت می‌گیرد. کید معتقد است که جرم‌انگاری یک رفتار در قانون به خودی خود موجب ترغیب افراد به مداخله نمی‌شود. بلکه نقش بازدارنده قانون در کنار نقش آموزشی رسانه‌ها در تحریک احساسات افراد جهت کمک به افراد در معرض خطر، می‌تواند احتمال مداخله ناظران را افزایش دهد (Bagby, 2000: 584).

در این راستا، سیستم عدالت کیفری نیز باید بر موقعیت قربانیان جرم و ضرورت مداخله در شرایط خطرناک متمرکز باشد و از طریق رسانه‌ها و سایر تدابیر آموزشی، احساسات افراد را هنگام مواجه شدن با شرایط اضطراری، معطوف و متمرکز به اثرات منفی و جبران‌ناپذیر جرم بر قربانیان نماید؛ زیرا اگر ناظر در هنگام وقوع موقعیت‌های مجرمانه، به جنبه‌های دیگر شرایط اضطراری مانند خشونت‌های شخص مهاجم یا ترس از اقدام و انتقام توجه کند و درد و رنج قربانی را نادیده بگیرد، احتمال مداخله وی کاهش پیدا خواهد کرد.

این بدان علت است که ناظران، افرادی عقلانی هستند و به هنگام مواجهه با وضعیت اضطراری، ابتدا به تجزیه و تحلیل وضعیت رخ داده می‌پردازند و هزینه‌های احتمالی و پاداش‌هایی را که مداخله برای آن‌ها به همراه دارد، مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در صورتی که هزینه مداخله از قبیل ترس از انتقام، اقدام به مداخله یا آسیب فیزیکی بالا باشد، اقدام به مداخله نخواهند کرد. اما اگر به پاداش‌های احتمالی مداخله از قبیل کاهش آسیب وارده بر قربانی، احساس رضایت از خود به علت کمک به دیگری و مقبولیت اجتماعی توجه نمایند، تصمیم به مداخله خواهند گرفت (Kidd, 1979: 380).

به نظر ریچاد رورتنی نیز تربیت احساسات، نقش مهمی در برانگیختن عواطف و احساسات افراد در کمک به افراد نیازمند دارد؛ زیرا به وسیله تربیت احساسات به انسان‌ها می‌آموزیم که نسبت به رنج یکدیگر حساس باشند و رنج دیگری را رنج خود بدانند تا درد و رنج وارده به دیگران را بیشتر درک کنند و در صورت مواجهه با آن، تلاش لازم را جهت کمک کردن به عمل آورند (اصغری، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

بر این اساس، نوع دوستی و همدردی با قربانی جرم، عامل مهمی است که انگیزه فرد را برای تلاش در جهت تسکین درد و رنج قربانی افزایش می‌دهد؛ زیرا افرادی که در مواجهه با وضعیت‌های اضطراری قادر باشند خود را به جای فرد قربانی یا نیازمند بگذارند، بیشتر اقدام به رفتارهای نوع‌دوستانه می‌نمایند.

«برخی نظریه‌پردازان در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه، به نقش هنجارهای اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقدند رفتارهای نوع‌دوستانه ریشه در میزان درونی‌سازی هنجار مسئولیت اجتماعی دارد. دورکیم نیز در بررسی خودکشی نوع‌دوستانه، بر نقش مسئولیت اجتماعی تأکید کرده و معتقد است هر چه مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد بیشتر باشد، نوع دوستی و در نتیجه اقدام آن‌ها برای کمک به دیگری نیز افزایش می‌یابد» (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۰).

۲-۱-۲. احساس رضایت از خود

احساس رضایت و شادی ناظر از نجات فرد در معرض خطر، عامل روان‌شناختی مهم دیگری است که احتمال مداخله افراد را افزایش می‌دهد؛ بدین معنا که فرد با یاری کردن دیگران، به سرشت انسانی خود در جهت کمک به افراد پاسخ می‌دهد و همین امر موجب احساس رضایت درونی وی از خویش می‌گردد (خضولو، ۱۳۹۵: ۵). خداوند نیز در آیه ۷ سوره اسراء بر آثار دنیوی و اخروی کمک به دیگران تأکید نموده و می‌فرماید: «اگر شما احسان و نیکی به دیگران می‌کنید، در واقع به خود نیکی کرده‌اید».

در حقیقت، مداخله ناظران یک فرایند فرا اجتماعی است که به روند فزاینده مسئولیت اجتماعی و شهروند فعال کمک می‌کند. این الگوی رفتاری، سلامت روحی و جسمی بزه‌دیده و مجرم را بهبود خواهد بخشید و این امر منجر به افزایش ظرفیت جامعه و احساس رضایت کمک‌کننده از خود می‌شود (فیشر، ۱۳۹۳: ۸۳/۲).

بر این اساس، کمک به دیگران علاوه بر مزایایی که برای افراد دخیل در صحنه مجرمانه دارد، مزایای اجتماعی و روان‌شناختی زیادی نیز برای فرد ناظر و جامعه به همراه دارد. از منظر روان‌شناختی، کمک به فرد در معرض خطر با افزایش احساسات مثبت از قبیل افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس و کاهش احساسات منفی از قبیل

کاهش افسردگی و اضطراب، موجب معنادار شدن زندگی افراد و افزایش طول عمر آنها می‌شود. از منظر اجتماعی نیز کمک به دیگران ضمن اینکه یکی از مهم‌ترین راهبردها برای ایجاد و تقویت ارتباطات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، سلامت و همبستگی می‌باشد، راهی برای دستیابی به مقبولیت اجتماعی و ایجاد شهرت برای فرد ناظر است که در نتیجه آن، موقعیت اجتماعی افراد در جامعه را ارتقا می‌دهد. در مقابل، عدم مداخله افراد جهت مساعدت به افراد در معرض خطر، موجب انزوای اجتماعی، حس تنهایی، آسیب جسمی و روانی شدید به قربانی و مجرم، آسیب روحی به شخص ناظر و در نهایت ازهم گسیختگی اجتماعی می‌گردد (Klein, 2017: 2). بنابراین کمک به افراد در معرض خطر به عنوان یک رفتار اجتماعی مطلوب، موجب احساس رضایت، کاهش تضادهای اجتماعی و ثبات در جامعه شده و آرامش روحی و روانی را در فرد کمک‌کننده به همراه دارد و همین مزایای مطلوب فردی و اجتماعی، انگیزه ناظران را برای مداخله تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۲-۲. عوامل اجتناب ناظران

۱-۲-۲. ابهام موقعیت

یکی از عواملی که مانع مداخله افراد در موقعیت‌های مجرمانه می‌شود، ابهام موقعیت و عدم تفسیر درست موقعیت به عنوان یک وضعیت اضطراری و نیازمند مداخله است. هر چه ابهام در مورد جدی و خطرناک بودن وضعیت بیشتر باشد، احتمال مداخله کمتر خواهد بود (Wenik, 1985: 1789)؛ زیرا غالباً افراد به هنگام مواجهه با رفتارهای مجرمانه، سردرگم هستند که آیا شرایطی که با آن مواجه شده‌اند، آن‌چنان خطرناک است که نیازمند مداخله باشد یا خیر؟ ناظران اگر احساس کنند که موقعیت پیش‌آمده یک وضعیت بحرانی و دردناک است، وارد مداخله می‌شوند. اما اگر چنین تفسیری از شرایط نداشته باشند و یا معتقد باشند که هزینه مداخله آن‌ها در جهت کمک به قربانی، بیشتر از منافع آن است، از کمک به فرد قربانی خودداری می‌نمایند (Latané & Darley, 1969: 244). این تردید در تصمیم‌گیری برای مداخله، ناشی از فقدان اطلاعات و فقدان مهارت لازم ناظران جهت مداخله است.

در حقیقت برای به حداکثر رساندن احتمال مداخله افراد در وضعیت‌های بحرانی، باید افراد ضمن آگاهی از تأثیرات منفی رفتار مجرمانه بر جامعه و افراد، آموزش لازم برای متوقف کردن رفتار مجرمانه را نیز کسب نمایند تا از این رهگذر، حس صلاحیت برای مداخله مناسب در فرد تقویت گردد و متعاقب آن، احساس مسئولیت آن‌ها در قبال قربانیان افزایش یابد؛ زیرا یکی از عوامل مهمی که مانع مداخله افراد می‌شود، این است که افراد تجربه و مهارت کمی در برخورد با شرایط اضطراری دارند و نمی‌دانند که در مواجهه با این شرایط باید چگونه عمل کنند. بر این اساس، پیشگیری اولیه که به دنبال افزایش دانش و مهارت‌های افراد جامعه است، یکی از مهم‌ترین گام‌ها در افزایش مداخله مؤثر ناظران و پیشگیری از جرم است. ناظران باید احساس کنند که مداخله آنان اهمیت زیادی دارد و در کنار آن باید مهارت مداخله امن و مؤثر را داشته باشند (فیشر، ۱۳۹۳: ۸۳/۲). به همین جهت، آموزش افراد جامعه یکی از برنامه‌ها و اهداف اصلی راهبرد مداخله ناظران می‌باشد.

حضور سایر ناظران نیز از دو جهت موجب مبهم‌تر شدن موقعیت مجرمانه و عدم مداخله ناظران می‌شود. از یک منظر، حضور ناظران فعال در صحنه مجرمانه، بر تفسیر و درک فرد در خصوص نیاز به مداخله یا عدم مداخله تأثیر می‌گذارد؛ زیرا با افزایش تعداد ناظران، فرد نمی‌داند و نمی‌تواند تصمیم بگیرد که آیا با حضور سایر افراد، نیاز به مداخله وی برای کمک به قربانی می‌باشد یا خیر. اگر ناظر شاهد این باشد که سایر ناظران در حال کمک به قربانی و متوقف کردن وضعیت مجرمانه هستند، این گونه احساس می‌کند که با وجود مداخله سایر افراد، نیازی به مداخله وی نمی‌باشد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۴).

از منظر دیگر، حضور ناظرانی که در صحنه مجرمانه منفعل هستند و هیچ اقدامی جهت مداخله نمی‌کنند، منجر می‌شود که افراد وضعیت را غیر جدی تفسیر کنند و همین امر، احتمال مداخله آن‌ها را برای کمک به قربانی کاهش می‌دهد. در واقع، در صورت حضور سایر افراد، هر یک از ناظران تفسیر خود مبنی بر جدی بودن و خطرناک بودن وضعیت را منوط به اقدام و رفتار سایر ناظران می‌نماید و بر اساس عدم مداخله سایر ناظران، وضعیت را غیر اضطراری تفسیر می‌نماید و مداخله نمی‌کند

(Clark & Word, 1972: 393).

یافته‌های پژوهش تجربی که میان دانشجویان دانشگاه فلوریدا انجام گرفت، تأییدکننده این امر می‌باشد. در این پژوهش، دانشجویان به دو گروه تقسیم شدند. در گروه اول، افراد به تنهایی شاهد وضعیت اضطراری دیدن دود و صدای گریه بچه بودند. در گروه دوم، عده‌ای از دانشجویان با یکدیگر در این وضعیت قرار گرفتند. نتایج نشان داد که ۷۵٪ از افراد گروه اول، وضعیت اضطراری را گزارش کردند؛ در حالی که از گروه دوم تنها ۱۰٪ از افراد، موقعیت اضطراری را گزارش نمودند. در مصاحبه‌ای که متعاقباً با دانشجویان صورت گرفت، افراد گروه دوم بیان کردند که وضعیت پیش آمده را به علت عدم اقدام سایر افراد، غیر خطرناک تلقی نموده و به همین علت، اقدامی جهت گزارش وضعیت خطرناک انجام نداده‌اند (Darley & Latané, 1968: 380).

۲-۲-۲. بی تفاوتی اجتماعی

بی تفاوتی اجتماعی یکی از عواملی است که مانع مداخله افراد در موقعیت‌های اضطراری می‌شود و بیانگر بی‌احساسی و نوعی افسردگی اجتماعی است که به عنوان بیماری اجتماعی شناخته می‌شود؛ همان گونه که در نقطه مقابل آن، هر گونه نوع دوستی در حیات فردی و اجتماعی، نشانه سلامت اجتماعی است (قاضی‌زاده و کیانپور، ۱۳۹۴: ۶۰). بی تفاوتی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است که نتیجه افزایش زندگی شهرنشینی و به تبع آن، گسترش فرهنگ فردگرایی و کم‌رنگ شدن پیوندها و هنجارهای اجتماعی در جوامع می‌باشد (Levine & Others, 2001: 543). یکی از مصادیق بارز بی تفاوتی اجتماعی، حالتی است که در آن ناظران از شخص یا اشخاصی که در وضعیت اضطراری قرار دارند و نیازمند کمک می‌باشند، با بی تفاوتی عبور می‌کنند. این بی‌اعتنایی افراد یا گروه‌های جامعه به مشکلات یکدیگر که معمولاً از بیگانگی اجتماعی ناشی می‌شود، باعث ایجاد ناهنجاری‌هایی در ساختار اجتماع می‌شود. در تبیین بی تفاوتی اجتماعی که غالباً با تعبیر بیگانگی اجتماعی در نظر جامعه‌شناسان کلاسیک یاد شده است، زیمل به خصلت زندگی شهری نوین، دورکیم به پدیده آنومی و زنانیکی و تامس در نظریه نظام گسیختگی اجتماعی، به مسئله ضعف هنجارها اشاره کرده‌اند (عنبری و غلامیان، ۱۳۹۵: ۱۳۸).

در حقیقت «برای اینکه شخص ناظر به هنگام مواجهه با موقعیت مجرمانه، به یک تصمیم آگاهانه برای مداخله یا عدم مداخله جهت کمک کردن به شخص قربانی برسد، باید چهار فرایند را طی کند: ۱. توجه به وضعیتی که اتفاق افتاده یا در حال وقوع است، ۲. ناظر این شرایط را به عنوان یک وضعیت بحرانی که نیازمند مداخله است، توصیف نماید، ۳. ناظر احساس مسئولیت داشته باشد، ۴. معتقد باشد که دارای مهارت لازم برای موفقیت در مداخله است». در صورتی که پاسخ ناظر در هر یک از این مراحل مثبت باشد، نوع دوستی و مداخله رخ خواهد داد. اما اگر پاسخ ناظر در هر یک از مراحل منفی باشد، بی تفاوتی پدید می‌آید و ناظر از مداخله خودداری خواهد کرد (Taket & Crisp, 2017: 2). شایان ذکر است که متغیرهای مداخله‌گر زیادی وجود دارند که می‌توانند با تأثیرگذاری بر هر یک از این مراحل، پاسخ منفی ناظران و در نتیجه بی تفاوتی آن‌ها را به همراه داشته باشند؛ برای مثال، عوامل مختلفی وجود دارند که می‌توانند مانع توجه افراد به وضعیت‌های اضطراری شوند که از جمله آن‌ها می‌توان به خصلت‌های زندگی شهرنشینی اشاره نمود؛ زیرا در محیط‌های شهری، افراد درگیر امور روزانه خود و تحت فشار زمان هستند و به همین علت ممکن است توجه آن‌ها به نشانه‌های وضعیت اضطراری معطوف نگردد و در نتیجه اقدام به مداخله ننمایند.

«نظریه پردازان یادگیری اجتماعی، نوع دوستی و بی تفاوتی را بر اساس یادگیری‌های گذشته افراد تبیین می‌کنند. از منظر این نظریه، رفتار افراد اعم از نوع دوستی و بی تفاوتی، محصول یادگیری‌های گذشته آن‌ها می‌باشد. شخص در هر موقعیتی، رفتارهای معینی را می‌آموزد و وقتی مجدداً در آن موقعیت قرار گیرد، سعی می‌کند همان رفتار عادت شده را تکرار کند». پژوهش‌های انجام شده در این خصوص نیز نشان می‌دهند که میان نوع دوستی و بی تفاوتی با مشاهده یا عدم مشاهده الگوهای نوع دوستی و بی تفاوتی افراد ارتباط مستقیم و معنادار وجود دارد (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸). این بدان معناست که افراد در تعاملات اجتماعی که با سایر افراد جامعه دارند، الگوهای رفتاری خود را شکل می‌دهند و همین تقلید افراد از یکدیگر، موجب شکل‌گیری فرهنگ عمومی در خصوص یک موضوع اجتماعی می‌گردد؛ صرف نظر از اینکه این تقلید مطابق با هنجارهای اجتماعی باشد یا خیر. در خصوص موضوع مداخله ناظران نیز اگر ناظران به دفعات مکرر در

موقعیت‌ها و در تعامل با افرادی قرار گیرند که از کمک به افراد نیازمند کمک خودداری می‌کنند، این رفتار در آن‌ها نهادینه شده و ناظر نیز زمانی که در مواجهه با چنین موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد، با بی‌تفاوتی از موقعیت اضطراری گذر می‌کند.

لاتان و دارلی بی‌تفاوتی اجتماعی را بر مبنای تئوری هزینه - پاداش تبیین نموده‌اند. آن‌ها معتقدند که افراد در مواقع مواجهه با وضعیت‌های خاص و اضطراری، بلافاصله به تحلیل و بررسی هزینه‌ها و پاداش‌های نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی می‌پردازند و بی‌تفاوتی نسبت به دیگران یا نوع‌دوستی مستقیماً تابع پاسخی است که افراد ناظر در یک موقعیت اضطراری نشان می‌دهند (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۵).

البته عده‌ای از روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که بی‌تفاوتی اجتماعی، توصیف دقیق و کاملی در خصوص رفتار ناظران و عدم مداخله آن‌ها در یک وضعیت اضطراری نیست. به زعم آن‌ها ۳۸ نفر شاهد قتل گیتی ژنو، نسبت به حادثه رخ داده بی‌تفاوت نبودند؛ بلکه آن‌ها با دیدن صحنه مجرمانه سرگردان و ناراحت بودند و نمی‌دانستند که باید چه کاری انجام دهند (Latané & Darley, 1969: 245). اما در مقابل بی‌تفاوتی اجتماعی، عواملی وجود دارند که انسان‌ها را به سمت کمک به قربانی سوق می‌دهند که در این میان می‌توان به همدلی یا همدردی ناظران با افراد نیازمند کمک اشاره نمود. نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی را می‌توان بر مبنای میزان توانایی و همدلی ناظران با فرد نیازمند ارزیابی کرد. به عقیده باتسون در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطراری، اگر فرد ناظر بتواند با فرد نیازمند همدلی کند، نسبت به او نوع‌دوستی خواهد کرد و اگر نتواند همدلی کند، با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت (محسنی تبریزی، ۱۳۹۰: ۱۳).

این بی‌تفاوتی اجتماعی و همدلی، به میزان درونی‌سازی هنجارهای اجتماعی نیز برمی‌گردد؛ بدین معنا که حتی اگر همدلی یا همدردی، عاملی قوی جهت ترغیب افراد به مداخله نباشد، هنجارهای اجتماعی دیگری وجود دارد که نشان می‌دهد هر یک از افراد جامعه در قبال یکدیگر مسئول هستند. این احساس مسئولیت در کنار انتظارات اجتماعی برای کمک کردن، افراد را ترغیب به مداخله می‌کند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸).

در حقیقت، افراد غالباً رفتارهای خود را مطابق با هنجارهای اجتماعی حاکم بر جامعه سامان‌دهی می‌کنند. یکی از دلایلی که مردم از ارائه کمک به سایر افراد امتناع

می‌نمایند این است که انتظارات اجتماعی در جهت کمک به افراد، در جامعه نهادینه نشده است و اگر قوانین نیز که ریشه در هنجارها و انتظارات اجتماعی دارند، این وظیفه را بر عهده افراد قرار نداده باشند، افراد در شرایط اضطراری، اقدام به مداخله نمی‌کنند. بنابراین در صورت فقدان عرف و قوانین مدون در جامعه در خصوص وظیفه افراد در قبال قربانیان در معرض خطر، احتمال مداخله کاهش می‌یابد؛ زیرا مردم ابعاد مثبت و منفی واقعه را ارزیابی می‌کنند و زمانی که می‌بینند نوعی بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به مداخله و کمک وجود دارد، کمک به قربانی را در اولویت ذهن خود قرار نمی‌دهند و در نتیجه مداخله نمی‌کنند (الیاسی، ۱۳۸۹: ۱۱).

۳-۲-۲. انتشار مسئولیت

احساس مسئولیت، یکی از عواملی است که تصمیم ناظران برای مداخله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ناظران اگر احساس کنند که شخصاً مسئول کمک به قربانی هستند و خود را در مقابل حمایت از منافع اجتماعی و فردی، موظف و متعهد بدانند، احتمال مداخله آن‌ها افزایش پیدا می‌کند (Darley & Latané, 1968: 379). اما تحقیقات حاکی از آن است که با افزایش تعداد ناظران، سرعت مداخله برای کمک کردن کاهش می‌یابد. این کاهش سرعت پاسخ، همزمان با افزایش تعداد ناظران، فرایند انتشار یا تقسیم مسئولیت نامیده می‌شود که مطابق آن، حضور سایر ناظران منجر می‌شود که احساس مسئولیت شخصی برای مداخله در رفتار مجرمانه کاهش یابد و مسئولیت و سرزنش به علت عدم مداخله، میان تمام ناظران تقسیم گردد (Schwartz & Clausen, 1970: 299)؛ زیرا هر یک از افراد به دیگری نگاه می‌کند و منتظر می‌ماند تا بقیه کاری انجام دهند. این در حالی است که مسئولیت بر عهده تمام ناظرانی است که در صحنه جرم حضور دارند و هر ناظری به یک اندازه مسئول و به یک اندازه به علت تقصیر یا کوتاهی خود در مداخله برای کمک به شخص نیازمند قابل مجازات است (Taket & Crisp, 2017: 2). برخی معتقدند از آنجا که حضور دیگران هزینه‌های مداخله از قبیل استرس و احساس خجالت را بیشتر می‌کند، افراد در حضور دیگران کمتر تمایل به مداخله دارند. البته عده‌ای معتقدند که صرف افزایش حضور ناظران، احتمال مداخله را کاهش نمی‌دهد،

بلکه درک و تصویری که افراد از مهارت سایر افراد دارند، سرعت مداخله آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر سایر ناظرانی که وجود دارند، مهارت و شایستگی برای مداخله نداشته باشند، صرف حضور آنها تأثیری بر تصمیم‌گیری افراد برای مداخله ندارد و میان زمانی که هیچ ناظری وجود ندارد، با شرایطی که ناظران زیادی وجود دارند، اما هیچ‌کدام مهارت مداخله ندارند، اختلافی وجود ندارد (Bickman, 1971: 368). اما اگر مداخله در شرایط اضطراری، به عنوان یک هنجار اجتماعی تلقی شود، احتمال مداخله حتی در فرض وجود ناظران دیگر نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا مطابق این هنجارها همه افراد ناظر باید به عنوان یک گروه منسجم اجتماعی در جهت رفع خطر از شخص قربانی جرم با یکدیگر همکاری کنند (Latané & Darley, 1969: 220).

۴-۲-۲. دلهره ارزیابی

نگرانی ناظر در خصوص نحوه ارزیابی سایر ناظران از رفتار وی در شرایط بحرانی، عامل دیگری است که مداخله افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بدین معنا که افراد از واکنش‌های منفی سایر ناظران در صورت مداخله غیر مؤثر و نادرست نگران هستند و همین امر، احتمال مداخله آنها را کاهش می‌دهد؛ زیرا حضور دیگران، هزینه‌های مداخله مانند استرس، شرم و خجال کشیدن را بیشتر می‌کند (Smith & Others, 1973: 186). در حقیقت، ناظران از این نگران هستند که رفتارهای کمکی‌شان، مورد ارزیابی منفی دیگران قرار گیرد و همین ترس از ارزیابی منفی، احتمال مداخله را کاهش می‌دهد (Hatten, 2017: 6). البته از طرف دیگر، این نگرانی ناظر در خصوص انتظارات سایر افراد و ارزیابی رفتار آنها توسط دیگران، موجب افزایش تلاش آنها برای مداخله مؤثر جهت کمک به قربانی در جهت ارزیابی مثبت دیگران نیز خواهد شد (Schwartz & Gottlieb, 1976: 1189). شوارتز معتقد است که دلهره ارزیابی، مداخله افراد در موقعیت‌های مجرمانه را تسهیل می‌کند و حضور سایر ناظران را شرط کافی برای تحریک افراد به مداخله می‌داند؛ زیرا با توجه به هنجارهای اجتماعی و اخلاقی حاکم بر جامعه، ناظران می‌دانند که انتظارات عمومی مبنی بر کمک به فرد قربانی در جامعه وجود دارد و در صورت عدم مداخله، از جانب افراد جامعه مورد عتاب و سرزنش قرار

می‌گیرند و همین امر، احتمال مداخله آن‌ها را افزایش می‌دهد (Ibid.: 299). بنابراین نحوه ارزیابی با توجه به انتظاراتی که به باور ناظر، دیگران از وی دارند، مداخله را تقویت یا مهار می‌کند. اگر ناظر این گونه ارزیابی کند که رفتارش در راستای کمک به قربانی در اجتماع به خوبی تفسیر می‌شود و او به یک قهرمان در جامعه تبدیل خواهد شد، انگیزه وی برای مداخله افزایش می‌یابد. اما اگر معتقد باشد که دیگر ناظران، مداخله وی را سرزنش و منفی ارزیابی می‌کنند و ممکن است قربانی جرم هم او را به علت نحوه مداخله، در زیان وارده مسئول بدانند، احتمال مداخله کاهش می‌یابد. بیب لانتان و جان دارلی معتقدند که دلهره ارزیابی، رابطه معناداری با میزان مداخله یا عدم مداخله ناظران ندارد. بلکه دلهره ارزیابی، زمانی مانع مداخله افراد در موقعیت‌های مجرمانه می‌شود که با عوامل مانع دیگر از جمله حضور ناظران منفعل همراه باشد؛ زیرا وقتی ناظر، شاهد عدم مداخله سایر ناظران است، به علت ترس از تصور آن‌ها نسبت به عملکرد خود، از اقدام به مداخله خودداری می‌کند (Latané & Darley, 1969: 244).

۲-۵. هویت اجتماعی و خودطبقه‌بندی

مطابق نظریه هویت اجتماعی و خودطبقه‌بندی، حضور سایر ناظران تأثیری بر میزان مداخله افراد ندارد؛ بلکه نوع رابطه اجتماعی میان ناظران، ناظران با بزه‌دیده و بزه‌دیده با مجرم، مداخله یا عدم مداخله افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر میان ناظران با یکدیگر یا ناظران با بزه‌دیده، هیچ ارتباط اجتماعی وجود نداشته باشد، مداخله افراد کاهش می‌یابد. اما چنانچه دیگر ناظران از همان طبقه‌ای باشند که ناظر خود را متعلق به آن گروه می‌داند، در نتیجه وجود ارزش‌ها و هنجارهای مشترک، احتمال مداخله افزایش خواهد یافت. لذا در شرایطی که ناظران متعلق به یک گروه اجتماعی هستند، حضور سایر ناظران نه تنها مانع مداخله نمی‌شود، بلکه مداخله را نیز تسهیل می‌کند (Latané & Nida, 1981: 313). همچنین نگرش مشابه و ماهیت رابطه ناظر با قربانی جرم، انگیزه فرد برای مداخله را افزایش می‌دهد. اگر گروهی که شاهد رفتار مجرمانه هستند، از دوستان بزه‌دیده باشند یا بزه‌دیده متعلق به گروه آن‌ها باشد، احتمال مداخله نسبت به وضعیتی که ناظران با قربانی، بیگانه هستند، افزایش خواهد یافت. همچنین اگر ناظران احساس کنند که رفتار

شخص مجرم، اقدامی علیه هنجارها و ارزش‌های گروهی آن‌ها بوده است، تمایل بیشتری برای مداخله خواهند داشت (Levine & Others, 2006: 1429).

مطابق این تئوری، زمانی که افراد با یک موقعیت مجرمانه روبه‌رو می‌شوند، حتی اگر در خصوص خطرناک بودن یا جدی بودن آن موقعیت دچار ابهام هم باشند، اگر میان آن‌ها و بزه‌دیده رابطه اجتماعی وجود داشته باشد، آن‌ها اقدام به مداخله خواهند کرد؛ زیرا در این شرایط، عواطف ناظر به علت رابطه‌ای که با بزه‌دیده یا فرد نیازمند کمک دارد، تحریک شده و وی وضعیت را برای مداخله، بحرانی تلقی می‌کند (Rushton & Sorrentino, 2012: 289).

رابطه قربانی و مجرم نیز مداخله ناظران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر ناظران احساس کنند که مجرم و بزه‌دیده با یکدیگر آشنا هستند، احتمال مداخله آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. در این مورد می‌توان به قتل وی بو اشاره کرد که در آن مرد آدم‌ربا وارد اتاق زن شد و مأموران هتل در دوربین‌ها مشاهده کردند که او زن را زمین انداخت؛ اما به خیال اینکه آن دو نفر زن و شوهرند و با هم رابطه دارند، هیچ کدام از میهمانان هتل و هتلداران که در حال نظاره بودند، مداخله نکردند (Chang Liu, 2016: 2). بنابراین نوع رابطه اجتماعی حاکم میان افراد حاضر در وضعیت اضطراری، عامل مؤثری است که می‌تواند صرف‌نظر از سایر عوامل مانع از قبیل ابهام موقعیت و انتشار مسئولیت، مداخلات افراد را تحت تأثیر قرار دهد.

نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاران و فعالان اجتماعی همواره به دنبال راهبردهایی نوین در جهت حل معضلات جرم در جوامع بشری و در نتیجه تأمین امنیت فردی و اجتماعی می‌باشند؛ زیرا امروزه یکی از عوامل مهمی که حیات جوامع بشری را در معرض تهدید و خطر قرار داده است، وقوع جرایم و روند رو به افزایش آن‌هاست. در همین راستا، مداخله ناظران به عنوان یکی از سازوکارهای مهم پیشگیری اجتماعی غیر رسمی، مرکز توجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفته است. مداخله ناظران با گسترش و تعمیم مسئولیت به همه افراد جامعه در پیشگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه یا کاهش آسیب‌های ناشی از

آن، نه تنها از حیث اصول اخلاقی و دینی از جایگاه والایی برخوردار است، بلکه سودمندی و کارایی آن از منظر اجتماعی نیز امری انکارناپذیر می‌باشد.

به همین جهت در قلمرو حقوق کیفری ایران، قانون‌گذار از رهگذر ماده واحده خودداری از کمک به مصدومین، مسئولیت کمک به افراد در معرض خطر را بر عهده همه افراد جامعه قرار داده و در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی نیز در صورت وجود رابطه خاص مبنی بر قانون، قرارداد، عرف و وجود رابطه سببیت میان نتیجه مجرمانه و ترک فعل، تارک فعل را حسب مورد، واجد مسئولیت کیفری عمد، شبه عمد و خطای محض دانسته است. اما با وجود این الزامات قانونی، متأسفانه مداخله در موقعیت‌های اضطراری کمتر مورد استقبال افراد جامعه قرار گرفته است؛ زیرا افراد ضمن اینکه از مزایای مداخله برای انسجام اجتماعی و پیامد انسجام اجتماعی در منافع فردی آن غافل هستند، آموزش و مهارت لازم جهت مداخله مؤثر را نیز کسب نکرده‌اند. در واقع، ناظران به هنگام مواجه شدن با شرایط نیازمند کمک، اغلب سردرگم هستند و نمی‌دانند که چگونه باید در جهت کاهش آسیب ناشی از جرم قدم بردارند و این امر ناشی از عدم فرهنگ‌سازی این نهاد در میان اعضای جامعه است.

در این راستا، سیاست‌گذاران جنایی باید در کنار الزامات قانونی که در قوانین کیفری وجود دارد، تدابیر لازم را برای آموزش و کسب مهارت افراد جامعه جهت مداخله مؤثر و امن به کار گرفته و با تکیه بر اصول اخلاقی و تحریک عواطف انسانی، آن‌ها را برای مشارکت فعال در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه ترغیب نمایند. این مهم از رهگذر تکیه بر توانایی و کارکرد رسانه‌ها در خصوص فرهنگ‌سازی این نهاد و آموزش ناظران امکان‌پذیر می‌گردد؛ زیرا امروزه فردگرایی و عدم وجود حس نوع‌دوستی و همدلی در جامعه، عاملی است که زمینه مشارکت فعال ناظران را در پیشگیری از رخدادهای مجرمانه تحت تأثیر قرار داده است. در این راستا، رسانه‌ها می‌توانند با تولید و توزیع مطلوب اطلاعات، نقش مؤثری را در بالا بردن آگاهی‌های افراد در خصوص نهاد مداخله ناظران و جنبه‌های مثبت آن در زندگی اجتماعی و فردی ایفا نمایند و همچنین قادرند با تکیه بر همدلی و حس نوع‌دوستی، احساس مسئولیت افراد را در قبال دیگران افزایش دهند و بدین طریق موجب تقویت پیوندهای اجتماعی و همبستگی در جوامع گردند.

کتاب‌شناسی

۱. ابن حزم، ابومحمد علی بن احمد بن سعید، *المحلی*، قاهره، اداره الطباعة المنيرية، ۱۳۵۲ ق.
۲. احمدی، سیروس، «بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸ ش.
۳. اصغری، محمد، «پیام اخلاقی فلسفه ریچارد رورتی»، *دوفصلنامه غرب‌شناسی بنیادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ ش.
۴. الیاسی، محمدحسین، «تحلیل روان‌شناختی عدم یاری‌رسانی شهروندان به قربانیان رفتارهای خشونت‌آمیز»، *فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی پلیس پایتخت*، شماره ۹، ۱۳۸۹ ش.
۵. پوربافرانی، حسن، «بررسی ترک فعل در قتل عمدی»، *فصلنامه دادرسی*، شماره ۵۲، مهر و آبان ۱۳۸۴ ش.
۶. حسینی، محمدرضا، اکبر طالب‌پور، و حسین امامعلی‌زاده، «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار نوع‌دوستانه در بین شهروندان همدانی»، *فصلنامه توسعه اجتماعی*، دوره نهم، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۷. خضزلو، غلامرضا، «نقش رفتار اجتماعی مطلوب نیکوکاری در ارتقاء سازه‌های سرمایه اجتماعی»، اولین همایش ملی خیر ماندگار (مطالعه و ارزیابی امور خیر در ایران)، تهران، بنیاد خیریه راهبری آلاء، ۱۳۹۵ ش.
۸. سجادی، سارا، «نقش امر به معروف و نهی از منکر، در امنیت جامعه»، قابل دستیابی در <http://akhiyar.blog.ir/1394/05/21>، ۱۳۹۴ ش.
۹. عباسی، محمود، احمد احمدی، ندا اله‌بداشتی، «خودداری از کمک به مصدومین و مسئولیت‌های ناشی از آن»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۰. عنبری، موسی، و سارا غلامیان، «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی»، *دوفصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره هفتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۱۱. فروغی، فضل‌الله، امیر باقرزادگان، و محمد میرزایی، «واکاوی فقهی - حقوقی احکام وضعی - تکلیفی ترک فعل با توجه به رابطه استناد»، *فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۴۵، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۱۲. فلچر، جورج پی، «مفاهیم بنیادین حقوق کیفری»، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۳ ش.
۱۳. فیشر، بونی. اس، و استیون. پی لب، *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی سراسر کشور، زیر نظر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، میزان و مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. قاضی‌زاده، هورامان، و مسعود کیاپور، «بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)»، *دوفصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال چهارم، شماره پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
۱۵. کلاتری، صمد، مهدی ادیبی، رسول ربانی، و سیروس احمدی، «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن»، *دانشور رفتار*، دوماهنامه علوم انسانی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، شماره ۲۲، اردیبهشت ۱۳۸۶ ش.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه سیدمهدی آیت‌اللهی، تهران، جهان‌آرا، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۸. محسنی تبریزی، علی‌رضا، «پژوهشی درباره‌ی تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش: شهروندان تهرانی)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۱۹. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن هذلی، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، چاپ دوم، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. موسوی بجنوردی، محمد، «قاعده حرمت اعانت بر اثم و عدوان با رویکردی بر نظریات امام خمینی (س)»، فصلنامه پژوهشنامه متین، دوره هشتم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۲۱. میرمحمدصادقی، حسین، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ هشتم، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. نجفی، محمدحسن بن باقر، *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق عباس قوچانی، چاپ سوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲۳. یزدیان جعفری، جعفر، «بررسی جرم خودداری از کمک به افراد در معرض خطر»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۳ ش.
24. Bagby, Jennifer, "Justifications for Sate Bystander Intervention Statutes: Why Crime Witnesses Should Be Required to Call for Help", *Indiana Law Review*, Vol. 33(2), 2000.
25. Bickman, Leonard, "The effect of another bystander's ability to help on bystander intervention in an emergency", *Journal of Experimental Social Psychology*, Vol. 7(3), 1971.
26. Chang Liu, Kathy, "Factors Associated with Intervention by Bystanders in Sexual Violence Crimes", Martin School of Public Policy and Administration, 2016.
27. Clark, Russell D. & Larry E. Word, "Why don't bystanders help? Because of ambiguity?", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 24(3), 1972.
28. Darley, John M., & Bibb Latané, "Bystander Intervention in Emergencies: Diffusion of Responsibility", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 8(4), 1968.
29. Gofman, Alexander, "Durkheim's Theory of Social Solidarity and Social Rules", in: Vincent Jeffries (Ed.), *The Palgrave Handbook of Altruism, Morality, and Social Solidarity*, Palgrave Macmillan, 2014.
30. Hatten, Shelby, *Likelihood of Bystander Intervention as a Function of Perceived Social Norms*, Honors Theses AY 16/17.37, 2017.
31. Kidd, Robert F., "Crime Reporting: Toward a Social Psychological Model", *Criminology*, Vol. 17(3), 1979.
32. Klein, Nadav, "Prosocial behavior increases perceptions of meaning in life", *The Journal of Positive Psychology*, 12(4), 2017 (Published online: 18 Jul 2016).
33. Latané, Bibb & John M. Darley, "Bystander "Apathy"", *American Scientist*, Vol. 57(2), 1969.
34. Latané, Bibb & Steve A. Nida, "Ten Years of Research on Group Size and Helping", *Psychological Bulletin*, Vol. 89(2), 1981.

35. Levine, Mark & Clare Cassidy & Gemma Brazier & Stephen Reicher, "Self-Categorization and Bystander Non-intervention: Two Experimental Studies1", *Journal of Applied Social Psychology*, Vol. 32(7), 2006.
36. Levine, Robert V. & Ara Norenzayan & Karen Philbrick, "Cross-Cultural Differences in Helping Strangers", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, Vol. 32(5), 2001.
37. Rushton, J. Philippe & Richard M. Sorrentino (Eds.), *Altruism and helping behavior: social, personality, and developmental perspectives*, L. Erlbaum Associates, 2012.
38. Schwartz, Shalom H. & Avi Gottlieb, "Bystander Reactions to a Violent Theft: Crime in Jerusalem", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 34(6), 1976.
39. Schwartz, Shalom H. & Geraldine T. Clausen, "Responsibility, norms and helping in an emergency", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 16(2), 1970.
40. Smith, Ronald E. & Karen Vanderbilt & Mark B. Callen, "Social Comparison and Bystander Intervention in Emergencies", *Journal of Applied Social Psychology*, Vol. 3(2), 1973.
41. Spijkers, Otto, "Bystander Obligation at the Domestic and International Level Compared", *Goettingen Journal of International Law*, Vol. 6(1), 2014.
42. Swan, Sarah L., "Bystander Intervention", *Wisconsin Law Review*, No. 6, 2015.
43. Taket, Ann & Beth R. Crisp, *Bystanders for Primary Prevention: a rapid review*, Knowledge Paper produced for VicHealth, September 2017.
44. Trombley, Breanna, "Criminal Law—No Stitches for Snitches: The Need For A Duty-To-Report Law In Arkansas", *University of Arkansas at Little Rock Law Review*, Vol. 34(4), 2012.
45. Wenik, Jack, "Forcing the Bystander to Get Involved: A Case for a Statute Requiring Witnesses to Report Crime", *The Yale Law Journal*, Vol. 94, 1985.

